

# نفت شمال و شوروی

دکتر محمدرضا جلالی نائینی

رئیس اسبق کانون وکلای دادگستری

## □ درآمد

در شماره‌ی بیست و سوم ماهنامه‌ی حافظ (نیمه‌ی اول بهمن ۱۳۸۴) شرحی کوتاه راجع به مرحوم محمد ساعد مراغه‌ای به چاپ رسید. اکنون ادامه بحث را در این شماره به خوانندگان تقدیم می‌کنیم. پس از کناره‌گیری محمد ساعد، روز ۲۱ آبان‌ماه ۱۳۲۳، نمایندگان مجلس در جلسه‌ی خصوصی به نخست‌وزیری زنده‌یاد دکتر محمد مصدق رأی تمایل دادند ولی دکتر مصدق موقع را مناسب ندانست و از تشکیل کابینه منصرف شد و نمایندگی مردم ایران را در مجلس، بر صدارت ترجیح داد.

در نتیجه وکلای مجلس روز ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۲۳ به آقای مرتضی قلی بیات (سهام‌السلطان) رأی تمایل دادند و او روز پنجم آذرماه کابینه‌ی خود را به مجلس معرفی کرد. با این‌که بیات در طول زمامداری مستعجل خود با شوروی مامشات نمود، نتوانست به روابط ایران و شوروی تحرک تازه بدهد و در امور داخلی نیز با مشکلاتی روبرو شد؛ در نتیجه روز ۲۹ فروردین‌ماه ۱۳۲۴ عمر این کابینه هم سر آمد.

## صدارت حکیم‌الملک

آنگاه اکثریت نمایندگان مجلس روز ۱۲ اردیبهشت به آقای ابراهیم حکیم‌الملک رأی تمایل دادند. او روز ۲۲ اردیبهشت دولت خود را تشکیل داد.

یک هفته پس از قبول زمامداری حکیمی، جنگ جهانی پایان یافت و حکیم‌الملک روز ۱۹ فروردین‌ماه ۱۳۲۴ در مجلس حضور یافت و خاتمه‌ی جنگ را در ساعت ۲۳ و یک دقیقه‌ی روز هشتم ماه مه ۱۹۴۵ میلادی برابر ۱۷ اردیبهشت ۱۳۲۴ هجری شمسی رسماً اعلام کرد.

پس از یک ماه وکلای مجلس با ترکیب کابینه‌ی حکیمی روی خوش نشان ندادند، زیرا در برگزیدن وزیران، تمایلات نمایندگان را ملحوظ نداشته بودند، به همین لحاظ پس از ۱۴ روز مذاکره در جلسات مجلس پیرامون برنامه دولت، سرانجام روز ۱۳ خرداد اکثریت نمایندگان به برنامه‌ی کابینه رأی عدم اعتماد دادند و حکومتش ساقط شد.

حکیم‌الملک پس از رأی عدم اعتماد، عصازنان پیاده راه خانه‌ی خویش را پیش گرفت و از سوارشدن به اتومبیل نخست‌وزیری امتناع ورزید.

## صدارت صدرالاشراف

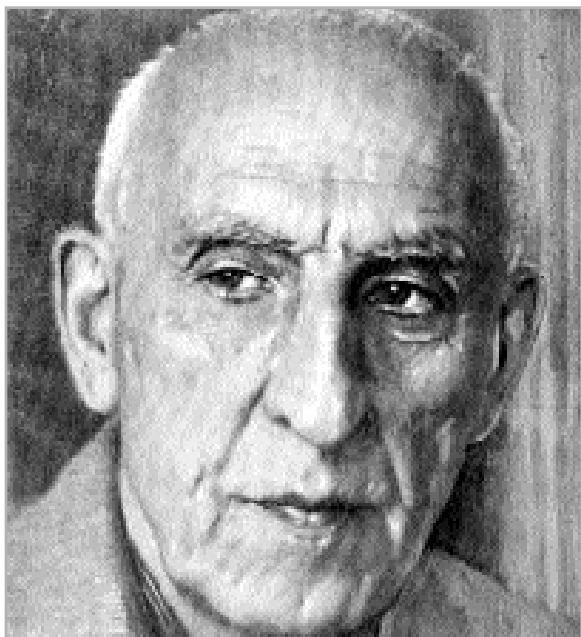
روز ۱۵ خرداد اکثریت وکلای مجلس رأی تمایل به نخست‌وزیری محسن صدر (صدرالاشراف) دادند. کابینه‌ی صدر در مجلس با مخالفت شدید دو دسته‌ی مختلف العقیده مواجه بود. از یک طرف تنی چند از وکلای خوشنام با او مخالف بودند، زیرا می‌گفتند صدر در زمان محمدعلی‌شاه قاجار، قاضی باغ شاه بوده که آزادیخواهان صدر مشروطه در آن‌جا زندانی یا کشته شدند. این شایعات از سال‌ها قبل از زمان صدارت صدر در افواه بوده است ولی آقا سید یعقوب انوار که در باغ‌شاه به گردن و پا و دستش غل و زنجیر بوده، می‌نویسد از وقتی که صدر به باغ شاه آمد کسی کشته نشد و او با تدبیر و مهارت و سیاست عاقلانه، همه‌ی کسانی را که در انتظار مرگ بودند، از مرگ حتمی نجات داد. به هر صورت این شایعه از سویی مستمسک دست چند تن از وکلای صالح قرار گرفته بود و از طرف دیگر وکلای فراکسیون حزب توده نیز در راستای سیاست شوروی در مخالفت با حکومت صدر، در مجلس و مطبوعات حزبی خود، او را قاضی باغ شاه می‌خواندند. صدرالاشراف کوشید به نحوی روابط ایران را با دولت شوروی بهبود بخشد ولی دولت شوروی تمایلی نشان نداد.

صدرالاشراف در خاطرات خود می‌نویسد که من به آقای مجید آهی سفیر کبیر ایران در مسکو تلگراف کردم که هر طور هست دولت شوروی را حاضر کند میسیون فوق‌العاده‌ی اعزامی ایران را بپذیرد. «سفیر کبیر ایران در ضمن مطالب اشعار داشت که من چون سماجت کردم برای پذیرفتن مأمورین فوق‌العاده‌ی ایران و گفتیم این تیرگی ما بین دو دولت سرانجام روزی باید رفع شود و مقدمه‌ی آن مذاکره پیرامون مطالبی‌ست که موجب تیرگی شده است، مولوتف وزیر خارجه‌ی شوروی گفت ما یک مطلب فوق‌العاده داریم و آن موضوع نفت اراضی شمال ایران است که امتیاز به ما بدهند. اگر میسیون دارای اختیار مذاکره در این موضوع است، می‌پذیریم و سایر مطالب مهمل است...»

صدرالاشراف پس از چهار ماه و نیم صدارت استعفا داد.

## صدارت دوباره‌ی حکیم‌الملک

با استعفا‌ی صدر، اکثریت مجلس دوباره به سراغ حکیم‌الملک رفت و به نخست‌وزیری او رأی تمایل داده شد. در زمان حکومت حکیم‌الملک دولت شوروی در آذربایجان و کردستان به اخلال دست زد و دولت ایران را با مشکلات عدیده روبرو ساخت.



که آخرین روز دوره‌ی ۱۴ بود، به مجلس رفت و چون عده‌ی کافی برای تشکیل جلسه‌ی علنی نبود، در جلسه‌ی خصوصی گزارش کوتاهی از سفر خود به مسکو به سمع نمایندگان حاضر در جلسه رسانید و بدین طریق قوام از آسیب و کلامی مخالف خود مصون ماند.

ظاهراً قوام السلطنه ماه‌ها پیش از رأی تمایل با نمایندگان شوروی و سران حزب توده تماس‌های مستقیم و غیرمستقیم داشت و پیام‌های همکاری و بهبود روابط دوستی با شوروی دریافت کرده بود و از این رو با امید عازم مسکو شد. عده‌ی تصور می‌کردند شوروی او را تحت تأثیر قرار خواهد داد. قوام ابتدا سه عضو فراکسیون حزب توده‌ی ایران را وارد کابینه‌ی خود نمود. ولی روزگار نشان داد که قوام فریب نخورد و با دادن قول تشکیل «شرکت مشترک کشف و استخراج نفت» به شوروی، دولت شوروی سایه‌ی حمایتش را از سر حکومت پیشه‌وری برداشت و قوای خود را در اثر فشار ترومن - رئیس‌جمهور امریکا - و مردم غیور آذربایجان پیش از آن که قوای ایران از قافلان کوه به سوی آذربایجان سرازیر شوند دست نشانندگان خارجی را تار و مار کردند و مهد زرتشت از عوامل بیگانه پاک شد. هنگامی که قوام به صدارت رسید، دولت شوروی به او فشار وارد آورد که شکایت ایران را علیه شوروی از سازمان ملل مسترد دارد. در آن وقت سی و چند تن از مدیران جراید تهران، تلگرافی تهیه و امضا کردند و چون در تهران امکان مخابره‌اش نبود به بغداد فرستادند و از آنجا به سازمان ملل مخابره شد. در تلگرام مذکور درخواست شده بود که شکایت ایران در سازمان ملل همچنان جریان عادی خود را طی کند. در راس امضاکنندگان آن تلگراف نام دکتر حسین فاطمی، دکتر ذبیح‌الله صفا مدیر **شباهنگ** و دکتر نصرالله فلسفی به چشم می‌خورد.

دو نفر از مدیران روزنامه‌های پُرتیراژ تهران پس از آن که متن تلگراف مدیران جراید در یکی از روزنامه‌ها انتشار یافت، از بیم آن که روزنامه‌شان توقیف شود، در روزنامه‌ی خود نوشتند که ما مضمون و مفاد تلگرام را نخوانده، امضا کرده‌ایم و امضای خود را مسترد می‌داریم ولی دل و عمل آنان با امضاکنندگان دیگر همراه و هم‌داستان بود. قوام السلطنه روز ۲۲ بهمن ماه ۱۳۲۴ مقررات حکومت نظامی را

پیشه‌وری در آذربایجان حکومت خودمختار اعلام کرد و در پی آن در کردستان، مشکلاتی از همان نوع به وجود آمد؛ به علاوه دولت شوروی که بر طبق فصل پنجم پیمان سه جانبه‌ی مورخ ششم بهمن ماه ۱۳۲۰ تعهد کرده بود، شش ماه پس از پایان جنگ، قوای خود را از ایران خارج کند، به تعهد خود عمل نکرد و همچنان قوای خود را در ایران نگاهداشت. در صورتی که دولت‌های انگلستان و امریکا قوای خود را از مناطقی که در تصرف آنان بود خارج کردند، دولت شوروی به منظور اعمال فشار دولت ایران را در مضیقه قرار داد تا امتیاز کشف و استخراج نفت اراضی شمال را بگیرد و از تخلیه‌ی خاک ایران سر باز زد و ضمناً حکومت پیشه‌وری را تقویت کرد و مردم آذربایجان و کردستان را در وضع دشواری قرار داد.

حکیم‌الملک ناگزیر شد، موضوع عدم تخلیه خاک ایران از قوای شوروی و همچنین مسأله آذربایجان را به سازمان ملل ارجاع کند و برای پیگیری شکایت ایران علیه شوروی، آقای سید حسن تقی‌زاده را که در آن وقت سفیر کبیر ایران در انگلستان بود، با حفظ سمت به سازمان ملل فرستاد تا ریاست هیأت نمایندگی ایران را به عهده بگیرد و از حقوق حقه‌ی ایران دفاع کند.

تقی‌زاده به فوریت عازم نیویورک شد و در سازمان ملل سخنرانی مستدل و مبسوطی ایراد نمود. او در ورود به شکایت ایران چنین گفت: «... کشور ایران یکی از اعضای ست که از بدو ایجاد سازمان ملل متفق با کمال وفاداری منابع خود را برای پیروزی در دسترس گذاشت تا آنجا که بر ایران پل پیروزی اطلاق شد. ایران در این خدمات انتظار پاداش نداشت، جز آن که ملل بزرگ به تعهداتی که در پیمان سه جانبه و منشور تهران بدان اشاره شده، عمل کنند. اکنون ایران دورانی را می‌گذراند که بسی پرتشویش است. وضع ایران که اکنون مشمول ماده‌ی ۱۴ اساسنامه‌ی مجمع شده و محقق است، به این سازمان که برای همین مقاصد تشکیل شده، محول می‌گردد و اگر این مسأله به زودی حل نشود باید آشکارا عرض کنم که این خود یک آزمایش روشنی برای ایفای وظیفه‌ی مجمع است و میزان اعتماد کامل ملل کوچک را نسبت به قضاوت ملل بزرگ درباره‌ی خود می‌رساند...». دولت شوروی از ارجاع شکایت ایران به سازمان ملل بسی ناراحت شد و هر چند در رسیدگی به آن تأخیر روی داد، لیکن وجهه‌ی شوروی در سازمان ملل نوپا، آسیب دید.

### صدارت قوام السلطنه

در همان ایامی که مسأله‌ی شکایت ایران در سازمان ملل مطرح بود، حکیم‌الملک در اثر کارشکنی‌های گونه‌گونه در داخل مجلس و خارج تاب مقاومت نیاورد و از این رو روز ۳۰ دی ماه ۱۳۲۴ استعفا داد. با کناره‌گیری حکیم‌الملک، روز پنجم بهمن ماه اکثریت ضعیفی از نمایندگان به احمد قوام (قوام السلطنه) رأی تمایل دادند و روز ششم بهمن ماه ۱۳۲۴ فرمان نخست‌وزیری او با عنوان جناب اشرف صادر شد.

قوام، روز ۲۸ بهمن ماه کابینه‌ی خود را به مجلس شورای ملی معرفی کرد و فردای آن روز بی‌آنکه منتظر طرح برنامه‌ی دولت در مجلس باشد و رأی اعتماد بگیرد، عازم مسکو شد. روز ۳۰ بهمن ماه قوام و همراهان وارد مسکو شدند و دو روز قبل از پایان دوره‌ی چهاردهم مجلس شورای ملی از مسکو مراجعت کرد. روز ۲۱ اسفندماه

# الاقاویل

□ دکتر بابک که از مردم گیلک و مردان زیرک بود و به یمن حُسن خدمت به والیگری مملکت پربرکت گیلان و ایالت با اصالت مازندران رسیده بود. آن مرد با کفایت بر سیل درایت این کم‌بضاعت را در خلوت روایت کرد که من به سال ۱۳۴۲ کاندیدای حزب مردم ایران برای سناتوری انتخابی از گیلان بودم قاطبه‌ی اهالی آن ایالت بی‌والی هم از ادانی و اعالی به من رأی متعالی دادند. رسانه‌های توخالی هم در آن انتخابات جنجالی، نام این اقل انام را اعلام کرد، اما نبیل‌الملک سمیعی پدر مهدی سمیعی که سناتور سلف آن منطقه‌ی قرین‌الشرف بود، به محمدرضاشاه جم‌جاه متوسل شد که اگر چنان مهتری که پدر بر پدر صاحب مناصب و برخوردار از مواجب بوده است، به این شغل عالی و سمت متعالی نرسد، هتک حرمت و هدم منزلت از خاندان قدیم و ثناگویان صمیم خواهد شد، پس شاه واجب‌الاحترام محمد سام استاندار والامقام گیلان بی‌دد و دام را فرمود که انتخابات تالش را دوباره شمارش کنند و در این فرایند از در سازش سمیعی را نوازش نمایند تا به فرموده‌ی ظل‌الله همان سناتور سابق و مرد لایق با حفظ شوون و سوابق از بین آراء مخالف و موافق از صنادیق فائق درآید و چنان شد. پروفیسور عدل رهبر حزب مردم و امیر اسدالله علم درازدم نیز در احقاق حق این مشتاق اهل وفاق کاری نتوانستند کرد. پس این شاعر غیرقادر و این ادیب غیرماهر به شنیدن این گونه اوامر بهتر از جواهر از شاهنشاه غایب و حاضر، بیتی بر زبان راند:

صندوق رأی چیست؟ ببین امر شاه چیست؟  
ما را به غیر بندگی شاه، راه نیست  
توضیح قائل «الاقاویل»!

مضامین یک‌یک الاقاویل را این راوی صاحب دلیل، به طول و تفصیل از دهان قائلان واجب‌التجلیل و التبجیل شنیده و به رشته‌ی این سجع بی‌بدیل کشیده است. هرکس مضمون آن را تبدیل کند، گرفتار لعن حضرت جبرئیل و پنجه‌ی حضرت عزرائیل گردد. ■

نسبت به احزاب و اجتماعات لغو کرد، ولی مقررات حکومت نظامی در مورد مطبوعات و مسایل امنیتی هم‌چنان به قوت خود باقی بود. قوام اکثر روزنامه‌های ملی را به خواهش استالین توقیف کرد.

روز اول عید نوروز ۱۳۲۵، قوام برای جلب نظر شوروی سیدضیاءالدین طباطبایی را توقیف کرد و سپس چند تن دیگر که در مجلس با سیاست اعمال فشار شوروی علناً مخالف بودند، از قبیل دکتر طاهری، جمال امامی و علی دشتی به‌همان منظور توقیف شدند، در واقع برای آنان شهربانی به منزله‌ی هتل مطمئنی بود که جانشان محفوظ ماند. در تمام مدت ایام توقیف با همه‌ی آنان با کمال احترام رفتار شد. آخرین کسی که از میان توقیف‌شدگان آزاد شد، سیدضیاءالدین طباطبایی بود.

وقتی سیدضیاءالدین توقیف شد در شهر تهران شایع گشت که دولت، او را به خارج ایران تبعید می‌کند، دکتر محمد مصدق اعلامیه‌ی در این باره صادر کرد و در آن تأکید فرمود که من با آقای سیدضیاءالدین طباطبایی در مشرب سیاسی اختلاف نظر دارم ولی تبعید آقای سیدضیاءالدین برخلاف قانون اساسی است.

قوام‌السلطنه این بار وقتی به نخست‌وزیری رسید که در همه‌ی بخش‌هایی از پهنه‌ی ایران که در اشغال شوروی بود نیروهای مقاومت مردمی و ملی و چریکی در حال پیکار نابرابر با اشغال‌گران بود و وکلای مجلس شورای ملی - به استثنای اعضای فراکسیون حزب توده‌ی ایران - یک‌صدا خواستار خروج سربازان شوروی از ایران بودند.

## طرح سه‌ماده‌ی مصدق

دکتر محمد مصدق - قهرمان ملی ایران - در آخرین روزهای عمر مجلس ۱۴، طرح سه‌ماده‌ی خود را با قید دو فوریت به مجلس ارائه داد و شخصیت والای او موجب شد که این طرح تاریخی در یک جلسه در مدت چهار ساعت و نیم به تصویب برسد و مملکت و ملت ایران را به پیروزی و استیفای حقوق خود رهبری نماید. مصدق در آغاز سخنان خود فرمود: اصل فکر از من نیست، ولی در اندیشه‌ی خویش آن‌را پروراند است.

در شرایط آن زمان هیچ‌یک از رجال ایران نمی‌توانست چنین طرحی را به تصویب برساند. او که فرزانه‌ی راست‌گفتار و درست‌کردار بود در مدت چهار ساعت و نیم در مجلس ۱۴ این طرح را به قید دو فوریت به تصویب رساند:

## متن قانون

برای مزید اطلاع خوانندگان متن این قانون در این جا درج می‌شود:

ماده‌ی اول: هیچ نخست‌وزیر، وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آن‌ها و یا معاونت می‌کنند، نمی‌توانند راجع به امتیاز نفت با هیچ‌کس از نمایندگان رسمی و غیررسمی دول مجاور و یا نمایندگان شرکت‌های نفت و هر کس غیر از این‌ها، مذاکراتی که اثر قانونی دارد بکنند و یا این که قراردادی امضا نمایند.

ماده‌ی دوم: نخست‌وزیر و وزیر می‌توانند برای فروش نفت و طرزى که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره می‌کند، مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند.

ماده‌ی سوم: متخلفین از مواد فوق به حبس مجرد از سه تا هشت سال و انفصال دائمی از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

ماده‌ی چهارم: تعقیب متخلفین از طرف دادستان دیوان کشور محتاج به این نیست که مجلس شورای ملی آن‌ها را تعقیب نموده باشد و اجازه دهد. دادستان مزبور وظیفه‌دار است که متخلفین از این قانون را بر طبق قانون محاکمه‌ی وزرا مصوب ۱۶ و ۲۰ تیر ماه ۱۳۰۷ تعقیب نماید.

چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار...

خدای بزرگ رجالی را که به ایران خدمت کردند و اکنون دستشان از این دنیا کوتاه است، بیامرزد. آنان حتماً با مخالفان و دشمنان خود با انصاف و فرزاندگی و مردانگی رفتار می‌کردند و دکتر مصدق ابرمرد تاریخ ایران نمونه‌ی بارز آنان است. ■